

تأثیر ساختار شخصیت بر ارزش‌های دینی*

رابعه نوربخش

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب

چکیده

بررسی تأثیر ساختار شخصیت بر ارزش‌های دینی با هدف ارائه رهنمودها و ابداع راهبردهای هدایتی در تعمیق ارزش‌های دینی بر مبنای درک ساختار شخصیت جوانان، موضوع پژوهش حاضر است. برای بررسی ساختار شخصیت، از آزمون ان.ای.او (N.E.O-FFI) - که دستیابی به پنج عامل شخصیتی شامل نوروژگرای، برون‌گرایی، گشادگی در برابر تجارب جدید، مقبولیت و مسئولیت‌پذیری را امکان‌پذیر می‌سازد - و برای بررسی ارزش‌های دینی، از پرسش‌نامه مذهبی (اسلامی) - اجتماعی (S.A.I.R.F.Q) استفاده شده است. نمونه این تحقیق را ۴۰۲ دانشجوی دختر و پسر دانشکده‌های فنی - مهندسی، علوم انسانی، تربیت معلم و مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد

* مقاله حاضر، مستخرج از پژوهشی است که با عنوان «تأثیر ساختار شخصیت بر ارزش‌های دینی» در دفتر مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی و علوم تربیتی معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب انجام شده است.

اسلامی - واحد تهران جنوب تشکیل می‌دهد که برحسب جدول برآورد حجم نمونه تعیین شده‌اند.

یافته‌های پژوهش، تأثیر عوامل شخصیت بر گرایش‌های دینی دانشجویان را نشان دادند؛ افزون بر آن، این نکته را برجسته ساختند که عوامل نوروزگرایی و گشادگی در برابر تجارب جدید به‌طور غیرمستقیم با گرایش مذهبی مرتبط‌اند، درحالی‌که عوامل برون‌گردی، مقبولیت و مسئولیت‌پذیری در ارتباط مستقیم با عامل گرایش مذهبی قرار دارند.

۱. گستره مسئله

۱-۱. مقدمه

مذهب، یکی از اساسی‌ترین متغیرهای زندگی بشر و واجد جایگاه خاصی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. نهادهای مذهبی در طول سال‌ها، مرکز توجه جامعه‌شناسان بوده‌اند و هستند. اما بیان این مطلب که مذهب تنها یا جامعه‌شناسی ارتباط دارد، در واقع انکار اعتقادهای درونی، بازخوردها^۱ و ویژگی‌های ارزشی افراد مذهبی است. چنین ویژگی‌های مشخصی باید بخشی از تجزیه و تحلیل روان‌شناختی را دربر داشته باشند. با آنکه تحلیل‌های جامعه‌شناختی، در دریافت اعتقادات، بازخوردها و ارزش‌های خاص افراد مذهبی مشخصی که در زمان خاصی از لحاظ فرهنگی و تاریخی واقع شده‌اند، به ما کمک می‌کند، زمانی که این تحلیل‌ها در دایره زندگی فردی قرار می‌گیرند، به‌عنوان داده‌های روان‌شناختی قابل استفاده‌اند. بدین ترتیب، اهمیت مذهب در زندگی افراد کاملاً مشخص است و همان‌طور که هر الحاقیه دیگری به دانش بر پایه روان‌شناسی مهم و جالب است، دانش درباره مذهب هم به نوبه خود جالب توجه است

(گرساچ، ۱۹۸۸).

مذهب و مجموعه تعالیم مذهبی، نقش چشمگیری در فرایند فرهنگ‌پذیری^۲ و اجتماعی شدن فرد ایفا می‌کنند و شکل‌گیری هویت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدیهی است هر اندازه تعالیم مذهبی از وضوح و شفافیت بیش‌تری برخوردار و عاری از ابهام باشند، هویت مذهبی نیز به همان اندازه مستحکم‌تر و منسجم‌تر می‌شود. با توجه به اهمیت باورهای مذهبی در جامعه و اینکه این باورها نوع بازخورد فرد به جهان را تعیین می‌کنند و سایر مؤلفه‌های زندگی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، باید گفت که در موارد بسیاری، تعالیم و باورهای مذهبی به منزله درونشده^۳ اصلی در فرایند فرهنگ‌پذیری هستند و داشتن بازخوردهای علمی به آنها می‌تواند از بروز آشفتگی‌ها، کج‌فهمی‌ها و بسیاری از مسائل مربوط به آسیب‌شناسی دینی جلوگیری کند (دادستان، ۱۳۷۷).

۱-۲. بیان مسئله، هدف‌ها و فرضیه‌های پژوهش

شخصیت نیز پدیده دیگری است که در قلمرو روان‌شناسی علمی قرار دارد. از هنگام شکل‌گیری بنای علمی روان‌شناسی، دانشمندان همواره تعریف‌های متفاوتی براساس دیدگاه‌های مختلف از شخصیت ارائه داده‌اند؛ اما مرکز توجه این تعریف‌ها نه اصل موضوع شخصیت، بلکه متوجه مفهومی است که از شخصیت ساخته‌اند. علت گوناگونی نظریه‌های مربوط به شخصیت آن است که هر نظریه پرداز از زاویه‌ای خاص بر این منظومه درهم‌پیچیده می‌نگرد. پژوهش‌ها و تحقیق‌های بی‌شمار در این زمینه، به پیدایش دیدگاه‌های متفاوت و در نتیجه پدیدآیی ابزار ارزشیابی متعدّد منجر شده است. روش تحلیل عوامل که در قلمرو استعدادها شکفته شده و نضج گرفته، نزدیک به چهل

1. Gorsuch, R. L.

2. Acculturation

3. Input

سال است که در حد وسیعی در زمینه شخصیت به منظور کشف صفات اساسی آن به کار برده می شود. در این راستا می توان به آزمون های متعددی که طی این سال ها هیمانس^۱، ویرسما^۲ (۱۹۰۹؛ نقل از تیپس^۳، ۱۹۶۱)، مگ دوگال^۴ (۱۹۳۲؛ نقل از دیگمن^۵، ۱۹۹۰)، فیسک^۶ (۱۹۲۹؛ نقل از مک کری^۷، ۱۹۹۱)، گلدبرگ^۸ (۱۹۸۱)، کتل^۹، آیسنک^{۱۰}، گیلفورد^{۱۱} (۱۹۵۷، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵؛ نقل از دیگمن)، کوستا^{۱۲} و مک کری (۱۹۸۵) انجام داده اند، اشاره کرد. اما باید گفت که به رغم تعدد تحقیق ها در قلمرو شخصیت از زاویه تحلیل عاملی، پاره ای از الگوهای ارزشیابی مانند الگوی ۱۶ عاملی کتل از شهرت خاصی برخوردارند.

در پژوهش های روان شناختی، اغلب از مذهب به عنوان متغیری غیرکانونی در طول پژوهش استفاده می شود. برای مثال، مذهب ممکن است به عنوان یک حوزه ساده کمکی جهت جمع آوری اطلاعات برای به آزمون در آوردن یک نظریه اساسی باشد و یا از اطلاعاتش بتوان به عنوان یکی از متغیرهای تعدیل کننده و کنترل مانند سن و طبقه اجتماعی استفاده کرد. در تحقیق هایی که در آن مذهب به عنوان یک متغیر کانونی به کار گرفته می شود، ساختن مقیاس کمی با اشکال های زیادی مواجه می شود. چيو^{۱۳} (۱۹۳۹؛ نقل از گرساچ، ۱۹۸۸) با همراهی ترستون^{۱۴}، ۵۲ مقیاس اندازه گیری جنبه های متفاوت مذهبی را به چاپ رسانیدند؛ در حالی که استرومن^{۱۵} و همکاران (۱۹۷۲؛ نقل از گرساچ، ۱۹۸۸)، ۷۸ مقیاس متفاوت را منتشر کردند. در این مقیاس ها، با توجه به استفاده از تحلیل عاملی برای بیان ارتباط درونی متغیرها، تقریباً همه مفاهیمی که دیگران قبلاً به

1. Heymans, G.

2. Wiersma, E.

3. Tupes, E. G.

4. McDougal, W.

5. Digman, J. M.

6. Fiske, D. W.

7. McCrae, R.

8. Goldberg, L. R.

9. Cattell, R. B.

10. Eysenck, H.

11. Guilford, J. P.

12. Costa, P.

13. Chave, E. J.

14. Thurstone, L. L.

15. Storummen, M. P.

اندازه‌گیری آن مبادرت کرده بودند، نشان داده شد. در حیطه روان‌شناسی مذهب، نظریه‌های متضاد تاریخی هم جنبه مثبت (فروید^۱؛ ۱۹۵۰؛ نقل از فرانسس^۲، ۱۹۹۲) و هم جنبه منفی (یونگ^۳، ۱۹۳۸؛ نقل از فرانسس، ۱۹۹۲)، ارتباط بین نوروگرایی^۴ و مذهب‌گرایی^۵ را پیش‌بینی کرده‌اند. در پژوهش‌های تجربی به این نتیجه رسیده‌اند که ممکن است این ارتباط با توجه به تعاریف عملیاتی نوروگرایی و مذهب‌گرایی و جمعیت مورد مطالعه متفاوت باشد (فرانسس، ۱۹۹۲). در خلال دو دهه گذشته، تعداد معتنابهی از پژوهش‌ها، یکی از جالب‌توجه‌ترین فرضیه‌های ارائه‌شده در باب نظریه تفاوت فردی آیسنک (۱۹۶۱، ۱۹۵۴؛ نقل از رابینسون^۶، ۱۹۹۰) را که مبین وجود ارتباط منفی بین برون‌گردی^۷ و بازخوردهایی نظیر مذهب‌گرایی است، هدف مطالعات خود قرار داده‌اند. افزون بر این، بسیاری از پژوهش‌ها نیز به بررسی مسئله جهت‌گیری درونی و بیرونی در برابر مذهب در افراد مختلف پرداخته‌اند. برگین^۸ و همکاران (۱۹۸۷)؛ نقل از کلدستاد^۹، ۱۹۹۵) به این نتیجه رسیده‌اند که جهت‌گیری درونی، همبستگی مثبت نه چندان بالایی با اجتماعی شدن^{۱۰}، احساس خوب داشتن، مسئولیت‌پذیری^{۱۱}، خودمهارگری، تحمل، تأثیر خوب اجتماعی و پیشرفت دارد. در گزارش چاو^{۱۲} و همکاران (۱۹۹۰؛ نقل از کلدستاد، ۱۹۹۵) ذکر شده است که مذهب‌گرایی بیرونی با گناه همبستگی منفی، با شرم و نوروگرایی همبستگی مثبت، و با بشردوستی همبستگی ندارد یا همبستگی منفی دارد.

در جامعه ما، مذهب و اعتقادهای مذهبی، رکن اصلی از زندگی را تشکیل می‌دهند و اهتمام به آموزش مذهبی، همواره مورد توجه اولیای امور بوده است. شکل‌گیری

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| 1. Freud, S. | 2. Francis, L. J. |
| 3. Jung, C. G. | 4. Neuroticism |
| 5. Religiosity | 6. Robinson, T. N. Jr. |
| 7. Extraversion | 8. Bergin, A. E. |
| 9. Kaldestad, E. | 10. Socialization |
| 11. Conscientiousness | 12. Chau, L. L. |

پرسش‌هایی در قلمرو اعتقادات بنیادی و اصولی دین، احکام، فرایض دینی و سایر زمینه‌های تفکر مذهبی موجب می‌شود تا نظام ارزشی فرد برمبنای پاسخ‌های دریافت شده پی‌ریزی شود. با توجه به اهمیت مذهب و ارزش‌های دینی مطرح در جامعه کنونی، هدف اساسی که در چارچوب این طرح قرار می‌گیرد، ارائه رهنمودهایی برای بررسی و ابداع راهبردهای هدایتی در تعمیق ارزش‌های مذهبی برمبنای درک ساختار شخصیت جوانان است. اهداف دیگری نیز در این طرح دنبال می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. بررسی تأثیر عوامل شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان؛
۲. بررسی تأثیر عامل نوروژگایی شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان؛
۳. بررسی تأثیر عامل برون‌گردی بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان؛
۴. بررسی تأثیر عوامل مسئولیت‌پذیری شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان.

فرضیه‌های پژوهش نیز عبارت‌اند از:

۱. عوامل شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان تأثیر دارد.
۲. عامل نوروژگایی شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان تأثیر دارد.
۳. عامل برون‌گردی شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان تأثیر دارد.
۴. عامل مسئولیت‌پذیری شخصیت بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان تأثیر دارد.

۲. فرایند روش شناختی

۲-۱. جامعه آماری، نمونه مورد آزمایش و روش اجرا

جامعه آماری مشتمل بر کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های فنی - مهندسی، علوم انسانی، تربیت معلم و مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب است که در سال تحصیلی ۷۷-۷۸ ثبت‌نام و انتخاب واحد کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. جامعه آماری

نام دانشکده	مرد	زن	مجموع
دانشکده فنی - مهندسی	۱۵۷۸۷	۱۸۶۰	۱۷۶۴۷
دانشکده علوم انسانی	۳۲۸۵	۴۰۳۴	۷۳۱۹
دانشکده تربیت معلم	۱۳۶۷	۲۷۶۰	۶۱۲۷
دانشکده مدیریت و حسابداری	۶۴۷۱	۴۴۸۶	۱۰۹۵۷
مجموع	۲۶۹۱۰	۱۵۱۴۰	۴۲۰۵۰

انتخاب نمونه:

حجم گروه نمونه، پس از تعیین حجم جامعه آماری برحسب جدول برآورد حجم نمونه کرجسی و مورگان^۱ مشخص شده است. درصد حجم گروه نمونه در دانشکده نیز بر مبنای حجم دانشجویان دانشکده در جامعه آماری و درصد حجم دانشجویان ثبت‌نام‌شده دانشکده (در نیم‌سال اول ۷۷-۷۸) تعیین شده است (جدول ۲).

جدول ۲. نمونه‌گیری برحسب دانشکده‌ها

نام دانشکده	مرد	زن	مجموع
دانشکده فنی - مهندسی	۱۴۳	۲۵	۱۶۸
دانشکده علوم انسانی	۳۰	۳۶	۶۶
دانشکده تربیت معلم	۲۵	۲۳	۴۸
دانشکده مدیریت و حسابداری	۵۹	۴۱	۱۰۰
مجموع	۲۵۷	۱۴۵	۴۰۲

۲-۲. روش و ابزار تحقیق

شیوه اصلی این تحقیق، پس‌رویدادی^۱ است؛ چه، روابط بین متغیرها دستکاری نمی‌شود و شرایط از قبل به‌وجود آمده است. روش نمونه‌برداری، طبقه‌بندی نسبی است و هر دانشکده به‌عنوان یک واحد نمونه‌گیری محسوب می‌شود.

ابزار ارزشیابی این طرح، آزمون پنج‌عاملی شخصیت ان. ای. او (N.E.O.&-F.F.I) است. این آزمون راکوتساو مگ‌گری در سال ۱۹۸۵ تنظیم کرده است. در این پژوهش، از شکل تجدیدنظرشده آزمون چاپ ۱۹۹۲ استفاده شده است. این آزمون شامل ۶۰ ماده است که با آن ۵ عامل بزرگ شخصیت سنجیده می‌شود. هر دوازده ماده برای سنجش یک عامل به‌کار می‌رود که مواد هر عامل به‌ترتیب ۵ درمیان مرتب شده‌اند. این ۵ عامل عبارت‌اند از:

N (نوروزگرایی): این عامل در برابر ثبات هیجانی قرار دارد و واجد رگه‌های شخصیتی همچون نگرانی، عدم ایمنی، خودهشیاری، اضطراب، افسردگی، خشم و شرمساری و انتقادپذیری و برانگیختگی است.

E (برون‌گردی): در برابر درون‌گردی قرار دارد و شامل رگه‌هایی چون اجتماعی‌بودن، شادی‌طلبی، گروه‌دوستی، قاطعیت، گرمی، فعال‌بودن، هیجان‌های مثبت، جستجوی هیجانی، رفتار دوستانه، بامحبت‌بودن و پرحرفی است.

O (گشادگی)^۲ در برابر تجارب جدید): رگه‌های این عامل، شامل برخورداری از افکار بدیع، قوه تصور زیاد و رؤیایی، علایق گسترده به‌ویژه در زمینه زیبایی‌شناسی و جسارت است.

A (مقبولیت)^۳: در برابر ضدیت است و رگه‌هایی چون اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی را شامل می‌شود. افرادی که مقبولیت اندکی دارند، همواره خود را در برابر دیگران

1. Ex post Facto

2. Openness

3. Acceptance

می‌بینند و شکاک و بی‌اعتمادند. آنها از لحاظ عاطفی سنگدل و دور از اجتماع‌اند و از نظر رفتاری، در کارها مشارکت نمی‌کنند؛ خودسر، لجوج و زمخت به نظر می‌رسند؛ در مقابل، افرادی که مقبولیت زیادی دارند، رعایت حال دیگران را می‌کنند؛ در رفتارهایشان شرم و حیا دارند؛ و در کل، افراد آرام‌خوبی هستند.

C (مسئولیت‌پذیری): این عامل مواردی چون مهار خویشتن در برابر ارتجالی عمل کردن، استحکام فرامن و رگه‌هایی چون پرکاری، نظم، جاه‌طلبی، شایستگی، پرنرزی بودن، کسب پیشرفت و پشتکار داشتن را شامل می‌شود.

ابزار ارزشیابی دیگر این طرح، پرسشنامه خودشناسی در چهارچوب مذهبی (اسلامی) - اجتماعی (S.A.I.R.F.Q) است. این پرسشنامه را جان بزرگی (۱۳۷۷) - (۱۳۷۸) ابداع کرده است. در این مقیاس، علاوه بر محاسبه اضطراب کلی، اضطراب آشکار، اضطراب پنهان و پنج عامل شخصیتی اضطراب، دو عامل کلی گرایش داشتن و نداشتن به مذهب نیز ارزیابی می‌شود (چهل ماده تست کتل، مطابق با فرم پرسشنامه جدید در آن گنجانیده شده است که در صورت لزوم بتوان اضطراب و میزان گرایش داشتن یا نداشتن به مذهب را یکجا سنجید).

شایان ذکر است که در پژوهش حاضر فقط درباره عامل کلی گرایش به مذهب بحث شده است.

فرم نهایی این پرسشنامه، پس از تجدیدنظرهای متوالی، شامل ۱۰۰ پرسش است که ۴۰ پرسش متعلق به اضطراب کتل، ۲۳ پرسش متعلق به عامل گرایش به مذهب و ۳۷ پرسش متعلق به عامل عدم گرایش به مذهب است.

اجرای آزمون‌های پنج عاملی شخصیت ان.ای.او (NEO-FFI) و پرسشنامه خودشناسی در چهارچوب مذهبی (اسلامی) - اجتماعی به صورت گروهی بوده و دستورالعمل اجرای آنها به صورت برگ پیوست همراه با پرسشنامه در اختیار آزمودنی قرار داده شده است.

۳-۲. طرح تحلیل داده‌ها

برای بررسی چگونگی تأثیر عوامل شخصیت بر گرایش‌های دینی دانشجویان، نخست توصیف کیفی و سپس تحلیل آماری داده‌ها ارائه می‌شود.

۳-۲-۱. توصیف داده‌ها

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۳، میانگین، واریانس و انحراف استاندارد متغیرهای شخصیت و گرایش مذهبی را نشان می‌دهد. در مورد نتایج عوامل پنج‌گانه شخصیت باید گفت که میانگین عامل C در مقایسه با بقیه عوامل شخصیت در سطح بالاتری قرار دارد. سطح میانگین در عوامل دیگر شخصیت کاهش می‌یابد و در نهایت میانگین عامل N در مقایسه با عوامل دیگر در کم‌ترین سطح قرار دارد. بیشتر بودن انحراف استاندارد عامل N از همه عوامل دیگر شخصیت، نشان‌دهنده فزونی پراکندگی نمره‌ها در عامل N است. انحراف استاندارد عامل O نیز در مقایسه با عوامل دیگر، در سطح پایین‌تری قرار دارد و مبنای این نکته است که پراکندگی نمرات عامل O از بقیه عوامل کم‌تر است.

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای شخصیت و گرایش مذهبی

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص آماری متغیر
۸/۵۶۹	۲۱/۵۸۲	نوروزگرایی (N)
۶/۴۳۲	۳۰/۲۴۱	برون‌گردی (E)
۴/۷۵۷	۲۷/۶۵۹	گشادگی در برابر تجارب جدید (O)
۵/۵۷۹	۲۷/۷۳۴	مقبولیت (A)
۶/۲۰۱	۳۵/۱۷۲	مسئولیت‌پذیری (C)
۹/۷۷۱	۷۰/۸۹۱	گرایش به مذهب (X)

۲-۳-۲- تحلیل داده‌ها

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، داده‌ای طرح در قالب روش همبستگی تحلیل و نتایج به صورت ماتریس همبستگی و سپس تحلیل‌های رگرسیون ارائه شده‌اند (جدول‌های ۴ تا ۱۰).

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

عوامل	نوروزگرایی (N)	برون‌گرایی (E)	گشادگی در برابر تجارب جدید (O)	مقبولیت (A)	مسئولیت‌پذیری (C)	گرایش به مذهب (X)
نوروزگرایی (N)	۱/	** ^۱ -۰/۵۳۰۴	۰/۰۳۸۰	** -۰/۳۵۲۱	** -۰/۳۸۵۰	-۰/۱۹۷۲
برون‌گرایی (E)	** -۰/۵۳۰۴	۱/	۰/۱۰۹۷	** -۰/۲۰۳۸	** ۰/۳۱۳۰	۰/۱۶۱۴
گشادگی در برابر تجارب جدید (O)	۰/۰۳۸۰	۰/۱۰۹۷	۱/	* -۰/۱۲۹۷	* -۰/۰۰۴۹	-۰/۱۴۳۹
مقبولیت (A)	** -۰/۳۵۲۱	** -۰/۲۰۳۸	* -۰/۱۲۹۷	۱/	** ۰/۲۳۴۷	** ۰/۲۸۷۴
مسئولیت‌پذیری (C)	** -۰/۳۸۵۰	** ۰/۳۱۳۰	-۰/۰۰۴۹	** ۰/۲۳۴۷	۱/	** ۰/۳۶۰۳
گرایش به مذهب (X)	-۰/۱۹۷۲	۰/۱۶۱۴	-۰/۱۴۳۹	۰/۲۸۷۴	۰/۳۶۰۳	۱/

چنان‌که در جدول شماره ۴ مشخص شده است، عامل O با عوامل N، E و C همبستگی ندارد؛ در حالی‌که بقیه عوامل همبستگی مثبت یا منفی معنادار دارند. برای تعیین اثر هر یک از عوامل شخصیت بر متغیر وابسته (گرایش مذهبی)، از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است. برای بررسی اولین فرضیه پژوهش، ابتدا متغیرها با استفاده از روش گام به گام^۳ وارد معادله رگرسیون شدند.

1. $p < 0/01$ 2. $p < 0/001$

3. Stepwise

جدول ۵. رگرسیون متغیر گرایش مذهبی (X) بر متغیر مسئولیت پذیری (C)

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	نسبت F	سطح معناداری F
رگرسیون	۱	۴۹۶۹/۳۶۰۰۸	۴۹۶۹/۳۶۰۰۸	۵۹/۶۶۰۰۸	۰/۰۰۰۱
باقیمانده	۴۰۰	۳۳۳۱۷/۸۲۴۰۰	۸۳/۲۹۴۵۶		

جدول ۶. ضرایب رگرسیون، ضریب تعیین و خطای استاندارد برآورد

متغیر	ضریب b	ضریب بتا	نسبت T	سطح معنادار T	ضریب تعیین (R^2)
مسئولیت پذیری C	۰/۵۶۷۶۹	۰/۳۶۰۲۷	۷/۷۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۱۲۹۷۹

نخستین متغیری که وارد معامله شده، متغیر مسئولیت پذیری (C) است. چنان که در جدول های ۵ و ۶ مشخص شده است، با توجه به ضریب تعیین (R^2) می توان چنین نتیجه گیری کرد که ۱۳٪ واریانس متغیر وابسته (گرایش مذهبی) از طریق متغیر مستقل مسئولیت پذیری تبیین می شود. این میزان تبیین یا ارتباط، با توجه به نسبت F، معنادار ($P < ۰/۰۰۱$) است.

افزون بر این، با توجه به میزان بتا می توان نتیجه گرفت که ارتباط بین دو متغیر مسئولیت پذیری و گرایش مذهبی مستقیم است.

باید خاطر نشان شود که در روش تحلیل گام به گام، متغیرها به ترتیب وارد معادله رگرسیون می شوند، تا بهترین معادله پیش بینی تشکیل شود. متغیرهایی که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته و کمترین همبستگی را با متغیرهای مستقل دیگر دارند، در ورود به معادله رگرسیون مقدم اند.

جدول ۷. رگرسیون متغیر گرایش مذهبی بر مقبولیت (A) و مسئولیت‌پذیری (C)

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	نسبت F	سطح معناداری F
رگرسیون	۲	۶۶۳۶/۲۵۳۳۵	۳۳۱۸/۱۲۶۶۷	۴۱/۸۲۹۱۸	۰/۰۰۰۱
باقیمانده	۳۹۹	۳۱۶۵۰/۹۳۰۷۳	۷۹/۳۲۵۶۴		

جدول ۸. ضریب‌های رگرسیون، ضریب تعیین و خطای استاندارد برآورد

متغیر	ضریب b	ضریب بتا	نسبت T	سطح معنادار T	ضریب تعیین (R^2)
مقبولیت (A)	۰/۳۷۵۹۳	۰/۲۱۴۶۵	۴/۵۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۱۷۳۳۳
مسئولیت‌پذیری (C)	۰/۴۸۸۳۲	۰/۳۰۹۹۰	۶/۶۱۸	۰/۰۰۰۱	

همچنان که در جدول‌های ۷ و ۸ مشاهده می‌شود، اضافه‌شدن متغیر مستقل دوم (مقبولیت)، میزان ضریب تعیین را تقریباً ۴٪ افزایش داده است. به عبارت دیگر، ۱۷٪ واریانس متغیر وابسته (گرایش مذهبی) از طریق متغیرهای مستقل C و A تبیین می‌شود. این میزان تبیین یا ارتباط با در نظر گرفتن نسبت F معنادار ($P < ۰/۰۰۰۱$) است. با توجه به میزان بتا نیز می‌توان گفت که ارتباط بین دو متغیر مقبولیت (A) و گرایش مذهبی (X) مستقیم است.

سومین متغیری که وارد معادله رگرسیون می‌شود، متغیر گشادگی در برابر تجارب جدید (O) است.

جدول ۹. رگرسیون متغیر گرایش مذهبی برگشادگی در برابر تجارب جدید (O)، مقبولیت

(A) و مسئولیت پذیری (C)

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	نسبت F	سطح معناداری F
رگرسیون	۳	۷۱۴۷/۸۴۰۶۴	۲۳۸۲/۶۱۳۵۵	۳۰/۴۵۲۸۰	۰/۰۰۰۱
باقیمانده	۳۹۸	۳۱۱۳۹/۳۴۳۴۴	۷۸/۲۳۹۵۶		

جدول ۱۰. ضریب‌های رگرسیون، ضریب تعیین و خطای استاندارد برآورد

متغیر	ضریب b	ضریب بتا	نسبت T	سطح معنادار T	ضریب تعیین (R^2)
گشادگی در برابر تجارب جدید (O)	۰/۲۳۹۵۵	۰/۱۱۶۶۲	-۲/۵۵۷	۰/۰۱۰۹	۰/۱۸۶۶۹
مقبولیت (A)	۰/۳۴۸۱۴	۰/۱۹۸۷۸	۴/۲۳۷	۰/۰۰۰۱	
مسئولیت‌پذیری (C)	۰/۴۹۳۲۸	۰/۳۱۳۰۵	۶/۷۲۹	۰/۰۰۰۱	

چنان که در جدول‌های ۹ و ۱۰ نشان داده شده است، ضریب تعیین (R^2) مشخص می‌کند که ۱۹٪ واریانس متغیر وابسته (گرایش مذهبی) از طریق ترکیب خطی متغیرهای C، A و O تبیین می‌شود. این میزان تبیین یا ارتباط، با توجه به نسبت F، معنادار ($P < ۰/۰۰۰۱$) است. همچنین با در نظر گرفتن میزان بتا می‌توان گفت که ارتباط بین متغیر گشادگی در برابر تجارب جدید (O) و گرایش مذهبی (X) معکوس است. اگرچه مشاهده ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که دو عامل دیگر - یعنی N و E - همبستگی معناداری با متغیر وابسته گرایش مذهبی (X) دارند، ولی چون سهم تبیین آنها قبلاً از طریق سه متغیر دیگر - یعنی C، A و O - وارد معادله شده است، ورود آنها به معادله رگرسیون، لازم به نظر نمی‌رسد. بنابراین، با توجه به نتایج تحلیلی، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

پس از این مرحله، برای آزمون سه فرضیهٔ دیگر پژوهش، هر یک از متغیرهای مستقل به‌طور مجزا وارد معادلهٔ رگرسیون شده‌اند. اثر رگرسیون همهٔ متغیرهای مستقل N ، E ، O ، A و C بر متغیر وابسته X به‌لحاظ آماری معنادار ($P < ۰/۰۰۰۱$)، $P < ۰/۰۰۱۲$ ، $P < ۰/۰۰۳۸$ ، $P < ۰/۰۰۰۱$ و $P < ۰/۰۰۰۱$ است؛ و درحالی‌که ارتباط دو متغیر مستقل N و O با متغیر وابسته X غیرمستقیم است، ارتباط سه متغیر مستقل E ، A و C با متغیر وابسته X مستقیم است. در نتیجه، سه فرضیهٔ دیگر پژوهش نیز در اینجا تأیید می‌شود.

به‌رغم آنکه در فرضیه‌های پژوهش، تفاوت دو جنس و تفاوت دانشکده‌ها در مورد متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نشده است، برای حصول به اطلاعات بیشتر در جهت تبیین یافته‌های پژوهش، این تفاوت‌ها از طریق آزمون ۱ و تحلیل واریانس یک‌راهه تحلیل شده‌اند. با نتایج به‌دست آمده از آزمون ۱ در مورد متغیرهای طرح براساس تفکیک جنس، مشخص شده است که در سه عامل O ، E و N تفاوت معنادار ($P < ۰/۰۰۷$)، $P < ۰/۰۱۶$ و $P < ۰/۰۰۰۱$) بین دو جنس وجود دارد؛ درحالی‌که در دو عامل C و A ، تفاوت بین دو جنس معنادار نیست. باید خاطر نشان شود که در مورد دو عامل O و N میانگین نمره‌های زنان بیشتر از مردان و در مورد عامل E ، میانگین نمره‌های مردان از زنان بیشتر است. همچنین در مورد متغیر گرایش مذهبی (X) نیز تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد. در بین دانشکده‌ها، فقط در مورد متغیر N تفاوت معنادار ($P < ۰/۰۵$) مشاهده می‌شود. برای مقایسهٔ دو به دوی گروه‌ها در مورد متغیر N ، از آزمون پس‌تجربی دانکن^۱ استفاده شده است. براساس این آزمون مشخص شد که بین دانشکدهٔ تربیت معلم و دانشکدهٔ علوم انسانی و همچنین بین دانشکدهٔ تربیت معلم و دانشکدهٔ فنی، تفاوت معنادار در متغیر N وجود دارد. میانگین متغیر N در دانشکدهٔ تربیت معلم از میانگین‌های متغیر N در دانشکده‌های علوم انسانی و فنی بیشتر است.

۳. تبیین یافته‌ها

با یافته‌های این پژوهش نیز، همانند بسیاری از یافته‌های دیگر پژوهش‌ها، تأثیر عوامل شخصیت بر گرایش‌های دینی تأیید شده است.

با مروری بر تحلیل آماری داده‌ها در مورد اولین فرضیه پژوهش، این نکته تأیید می‌شود که پنج عامل شخصیت - شامل: نوروژگرای (N)، برون‌گردی (F)، مقبولیت (A)، گشادگی در برابر تجارب جدید (O) و مسئولیت‌پذیری (C) - بر عامل گرایش مذهبی تأثیر دارند. افزون بر آن، نتایج به دست آمده از اجرای تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد که تأثیر عامل N و O بر متغیر گرایش مذهبی منفی است؛ در حالی که عوامل برون‌گردی، مقبولیت و مسئولیت‌پذیری، در ارتباط مثبت با عامل گرایش مذهبی قرار دارند.

دومین فرضیه‌ای که به آن اشاره شد، تأثیر عامل نوروژگرای شخصیت بر گرایش مذهبی بود که با توجه به تحلیل رگرسیون چندمتغیری، رابطه معنادار بین این دو متغیر تأیید شد. افزون بر آن، یافته‌های این بخش پژوهش، ارتباط منفی این عامل با عامل گرایش به مذهب را نشان می‌دهد. چنان که قبلاً نیز اشاره شده است، در حیطه روان‌شناسی مذهب، نظریه‌های متضاد تاریخی هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی ارتباط بین نوروژگرای و مذهب‌گرایی را پیش‌بینی کرده‌اند (فرانسیس، ۱۹۹۲)؛ در حالی که گروهی از پژوهش‌ها نبودن ارتباط (مثبت یا منفی) بین نوروژگرای، بازخورد در قبال مسیحیت در بین کودکان، جوانان، دانشجویان و بزرگسالان را گزارش داده‌اند (آسنک، ۱۹۶۵؛ آسنک و آسنک، ۱۹۶۴؛ آسنک و آسنک و بارت، ۱۹۸۵؛ فرانسیس، ۱۹۸۹؛ نقل از فرانسیس، ۱۹۹۲). در پژوهش‌های تجربی (فرانسیس، ۱۹۹۲) به این نتیجه رسیده‌اند که شاید وجود نتایج متناقض در این زمینه را بتوان با توجه به تعاریف عملیاتی نوروژگرای و مذهب‌گرایی و جمعیت مورد مطالعه تبیین کرد. یافته‌های تحقیق در مورد فرضیه دوم پژوهش نشان داده است که

هرچه نمره فرد در عامل نوروژگرای بی‌شتر باشد - به عبارت دیگر، هرچه نگرانی، عدم ایمنی، اضطراب، افسردگی، انتقادپذیری و برانگیختگی فرد بالاتر باشد - گرایش او به مذهب کم‌تر است.

در واری فرضیه سوم پژوهش (عامل برون‌گردی شخصیت، بر گرایش مذهبی تأثیر دارد)، یافته‌های تحلیلی بیانگر تأثیر و ارتباط دو عامل برون‌گردی و گرایش مذهبی است. این تأثیر همچنین مستقیم و مثبت است. نتایج متناقض در مورد ارتباط عامل برون‌گردی و مذهب‌گرایی، در اکثر پژوهشها وجود دارد. در برخی از پژوهشها، بر تأثیر غیرمستقیم یا ارتباط منفی برون‌گردی و گرایش مذهبی تأکید شده (آیسنک، ۱۹۵۴ و ۱۹۶۱: نقل از رابینسون، ۱۹۹۰)؛ در حالی که در پاره‌ای دیگر، تأثیر مستقیم یا ارتباط مستقیم برون‌گردی و گرایش مذهبی برجسته شده است (رابینسون، ۱۹۹۰). رابینسون (۱۹۹۰)، در تحقیقی، به واری ابعاد بیرونی و درونی مذهب‌گرایی - که در فهرست جهت‌گیری‌های اجتماعی آیسنک مشخص شده بود - مبادرت ورزید و یافته‌های پژوهش او نشان داد افرادی که نمره‌های بالایی در زودانگیختگی اکسب می‌کنند (برون‌گردها)، نمره‌های بالاتری نیز در ابعاد بیرونی مذهب‌گرایی به دست می‌آورند. نتایج پژوهش حاضر، تأثیر و ارتباط مستقیم دو عامل برون‌گردی و گرایش مذهبی را به خوبی آشکار کرد. بدین ترتیب، هر اندازه فرد اجتماعی‌تر، گروه‌دوست‌تر، قاطع‌تر، فعال‌تر، دارای هیجان‌های مثبت‌تر، و برخوردار از رفتار دوستانه‌تر و با محبت‌تر باشد، گرایش وی به مذهب نیز بیشتر است. چهارمین فرضیه پژوهش (عامل مسئولیت‌پذیری شخصیت بر گرایش مذهبی تأثیر دارد)، بر اساس طرح تحلیل رگرسیون چندمتغیری اجرا و تأیید شد. در اکثر پژوهشها، به تأثیر مستقیم و مثبت مسئولیت‌پذیری و گرایش به مذهب اشاره شده است (کلستاند، ۱۹۹۵). نتایج این پژوهش نیز حاکی از ارتباط مستقیمی است که بین مسئولیت‌پذیری و گرایش مذهبی وجود دارد و مبین این نکته است که هرچه فرد نمره‌های بالاتری در عامل

مسئولیت‌پذیری به‌دست بیاورد - به عبارت دیگر، هر اندازه فرد پُرکارتر، منظم‌تر، جاه‌طلب‌تر، شایسته‌تر، پُرانرژی‌تر، دارای پشتکار بیشتر و دارای توانایی مهار خویشتن در سطح بالاتری باشد - گرایش او به مذهب هم بیشتر است.

آنچه درباره آن تمامی پژوهشگران هم‌رأی‌اند، وجود ارتباط بین عوامل شخصیت و گرایش به مذهب است؛ درحالی‌که در نحوه این ارتباط، تفاوت‌های نظری بسیاری وجود دارد و تبیین‌های متفاوتی در پی هر نوع تأثیر (غیرمستقیم، مستقیم) دیده می‌شود.

جهت تأکید بر یافته‌های نهایی پژوهش و ارائه رهنمودهایی در مورد یافته‌ها می‌توان موضوع را چنین بررسی کرد که ارزیابی‌های شخصیتی و درک ساختار شخصیت در دوران تحول و تثبیت آنها براساس الگوهای رفتار آرمانی جامعه می‌تواند راه‌گشایی در جهت تعمیق ارزش‌های دینی افراد باشد. و این هدف در صورتی متحقق می‌شود که ساختار شخصیتی همسو با ارزش‌های اخلاقی و عقاید مذهبی حاکم بر جامعه، برای ایجاد محیطی همگون (از لحاظ ارزشی و اعتقادی) مشارکت داشته باشند. برای تحقق این امر باید محیطی که فرد در آن پرورش می‌یابد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، اصول ارزشی و اعتقادی جامعه را هم‌زمان در قالب رفتارهای عملی مناسب با توجه به ساختار شخصیت افراد به آنها منتقل کنند.

کتابنامه

- حکیم جواد، منصور (۷۳-۱۳۷۲). «هنجارگزینی تست شخصیتی ان. ای. او»، دانشگاه تهران: دانشکده علوم تربیتی.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۷۸). «بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت، آموزش خودمهارگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی در سطح دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- داستان، پ. (۱۳۷۷). «نقش تلویزیون در شکل‌گیری و تقویت مذهبی و اخلاقی کودکان دوره ابتدایی»، مرکز تحقیقات، مطالعات و بخش برنامه‌ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی

ایران: امور مطالعات و تحقیقات.

منصور، م. (۱۳۶۹). شخصیت (ساخت، پدید آیی و تحول). دانشگاه تهران.

Costa, P. & McCrae, R. (1985). "The NEO personality Inventory manual", *Odessa, Fl: Psychological Assessment Resources*.

Digman, J. M. (1990). "Personality Structure: Emergence of FFM", *Annual Review of Psychology*, 41: 440-447.

Francis, L. J. (1992). "Neuroticism and Intensity of religious attitudes among clergy in England", *Journal of Social Psychology among clergy in England*, Oct., 132 (5): 577-80.

Gorsuch, R. L. (1988). "Psychology of religion", *Annual Review of Psychology*, 39: 201-21.

Kaldestad, E. (1995). "The empirical relationships of the religious orientations to personality", *Scand. J. Psychol*, Mar., 36(1): 95-108.

McCrae, R. & Costa, P. T. (1991). "The Five factor model and it's assessment in clinical setting", *Journal of Pres Ass*, 57: 399-414.

Robinson, T. N. Jr. (1990). "Eysenck personality measures and religious orientation", *Personality and Individual Differences*, 11: 915-921.

Tupes, E. C. (1961). "Recurrent Personality Factors based on traits ratings", *Journal of Personality*, 14 (1): 212-223.